

## مؤلفه‌های تدریس اثربخش در درس کارآفرینی در دانشگاه

### عاطفه سالاری فورک

کارشناس ارشد برنامه ریزی درسی، دانشگاه فردوسی مشهد، [asalari@mihanmail.ir](mailto:asalari@mihanmail.ir)، ۰۹۱۵۴۹۸۶۰۴۸

### حسین جعفری ثانی،

دانشیار گروه مطالعات برنامه درسی و آموزش دانشگاه فردوسی مشهد، [hsuny@um.ac.ir](mailto:hsuny@um.ac.ir)، ۰۹۱۵۵۰۲۹۹۱۰

### مرتضی کرمی،

دانشیار گروه مطالعات برنامه درسی و آموزش دانشگاه فردوسی مشهد، [m.karami@um.ac.ir](mailto:m.karami@um.ac.ir)، ۰۹۱۵۵۱۲۷۳۶۴

### لیلا رضایی مقدم

دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی، دانشگاه فردوسی مشهد، [Leyla.rezaie66@gmail.com](mailto:Leyla.rezaie66@gmail.com)، ۰۹۱۵۴۱۷۹۸۲۷

## چکیده

پژوهش حاضر با هدف شناسایی مؤلفه‌های تدریس اثربخش برای درس کارآفرینی انجام شد. روش پژوهش از حیث هدف کاربردی و از حیث اجرا از نوع پژوهش موردی است. در این پژوهش جامعه، دانشکده کارآفرینی دانشگاه تهران بود که گروهی از اعضای هیأت علمی متخصص و باتجربه در حوزه کارآفرینی و دانشجویان موفق و سرآمد به صورت هدفمند از نوع موارد مطلوب انتخاب شدند. راهبردهای مورد استفاده در این پژوهش، مصاحبه و مشاهده بود. یافته‌های پژوهش با استفاده از روش تحلیل تفسیری تحلیل شد. یافته‌ها نشان داد: ویژگی‌هایی از قبیل: ویژگی‌های حرفه‌ای (پیش‌نیازهای مدرس و پرورش مهارت‌های شخصیتی و حرفه‌ای دانشجو)، مهارت برنامه‌ریزی و آمادگی (ایجاد انگیزه‌های علمی و پژوهشی، حمایت و هدایت دانشجو و تشخیص و بهره‌برداری از فرصت‌ها)، راهبردهای یاددهی-یادگیری (روش تدریس، تمارین و تکالیف درسی و آرایه محتوا)، ویژگی‌های شخصیتی مدرس، دانش پژوهی، ارتباط بین فردی و خارج فردی، مهارت مدیریت و سازماندهی کلاس (جو کلاس و وسایل و رسانه مورد استفاده در کلاس) و زمان باعث می‌شود تا مدرس درس کارآفرینی تدریسی اثربخش داشته باشد.

**واژگان کلیدی:** تدریس اثربخش، درس کارآفرینی، مؤلفه‌های تدریس

عصر جدید، عصر گسترش مرزهای دانش بشری و عرصه رقابت بر سر منابع و سرمایه‌ها است. کشورهای بزرگ صنعتی در پرتو وجود افراد تحصیل کرده و متخصص، چرخ‌های رشد و توسعه را به حرکت در آورده‌اند و به ابداعات و نوآوری‌های ارزشمند دست یافته‌اند. دسترسی به این نوآوری‌ها، که اقتصاد کشورهای توسعه یافته را از نو زنده کرده است، منوط به کارآفرینی است (با انصاف، ۱۳۹۰). کارآفرینی در دو دهه گذشته به‌عنوان قوی‌ترین نیروی اقتصادی در جهان، همواره مورد تجربه واقع شده است (کورتکو<sup>۱</sup>، ۲۰۰۵) و از عوامل اصلی جهت بهبود اقتصادی در یک کشور (نیان، بکر و اسلام<sup>۲</sup>، ۲۰۱۴) و بخشی جدایی ناپذیر از آموزش کسب و کار محسوب می‌شود (موندال و جیمنز<sup>۳</sup>، ۲۰۱۵). کارآفرینی فرآیندی است که فرد کارآفرین با ایده‌های خلاق و شناسایی فرصت‌های جدید و با بسیج منابع، مبادرت به ایجاد کسب و کار نو و سازمان‌های جدید رشد‌یابنده نموده که توأم با پذیرش ریسک است و منجر به معرفی محصول و یا خدمت جدیدی به جامعه می‌شود (همتی، ۱۳۸۷).

در شرایط کنونی که از یک طرف اقتصاد کشورمان با مسائل و نارسایی‌های مهمی نظیر فرار مغزها، بیکاری، کاهش سرمایه‌گذاری دولت، عدم تحرک و رشد اقتصادی کافی رو به رو است (مجلل چو بقلو، عبدالله‌فام و تمجیدتاش، ۱۳۹۰) و از طرف دیگر در زمره جوان‌ترین کشورهای جهان قرار دارد و حجم عظیمی از نیروهای آماده به کار به خصوص قشر تحصیل کرده در آن به چشم می‌خورد، پرورش و آموزش کارآفرینان ارزش‌آفرین از اهمیت مضاعفی برخوردار است (اکبری، ۱۳۸۷) و راه حلی جهت پرورش پیشرفت اقتصادی و کاهش نرخ بیکاری محسوب می‌شود (بابتیسا، اسکاریا و مادروگا<sup>۴</sup>، ۲۰۰۸).

یافته‌های اخیر از این ایده حمایت می‌کند که ویژگی‌های کارآفرینی می‌تواند از طریق آموزش، پرورش یابد (پرداختچی و شفیع زاده، ۱۳۸۵). در حال حاضر آموزش کارآفرینی به یکی از مهم‌ترین و گسترده‌ترین فعالیت‌های دانشگاه‌ها تبدیل شده است (احمدپورداریانی، ۱۳۸۷)؛ تدریس اثربخش<sup>۵</sup>، یکی از عناصر تعیین‌کننده و یکی از وظایف اساسی دانشگاه‌ها است. بنابراین یکی از ضروریات اساسی در راستای اجرای مطلوب آموزش‌های دانشگاهی، تدوین مؤلفه‌های تدریس اثربخش توسط استادان دانشگاه‌ها است (اسلامیان، ۱۳۹۴).

از آن‌جا که هدف کلی درس کارآفرینی، آشنایی دانشجویان با مفاهیم، نگرش‌ها، ماهیت، ابعاد، روش‌های راه‌اندازی و اداره امور کسب و کارهای جدید است تا دانشجویان ضمن آشنایی با مفاهیم نظری، بتوانند توانایی‌های خود را نیز در انجام کسب و کارها بیازمایند و به عمل درآورند، به رویکرد آموزشی متفاوت از دیگر دروس نیز نیازمند است (همتی، ۱۳۸۷) و روش‌های سنتی در آموزش کارآفرینی نتوانسته آن طور که باید و شاید انگیزه لازم را برای کارآفرین شدن در مخاطبان ایجاد کند. مطالعات مختلف در این زمینه نشان می‌دهد که مدرس این درس به علت ماهیت شغل تدریس، در اثربخشی آموزش کارآفرینی و تقویت روحیه کارآفرینی در میان دانشجویان بیش از هر عامل دیگری می‌تواند کمک نماید (ابراهیم‌پور کومله، قبادی و خزایی، ۱۳۹۲) که این تدریس تأثیر عمیقی بر کیفیت یادگیری دانشجویان دارد. هم‌چنین کوپمن، هامر و هکرت<sup>۶</sup> (۲۰۱۳) موفقیت در برنامه‌های آموزش کارآفرینی را به اساتید آموزش دیده و شیوه‌های تدریس فعال و سازنده دانسته‌اند. بررسی پیشینه پژوهش‌های انجام شده، نشان می‌دهد که در زمینه ویژگی‌های تدریس اثربخش در درس کارآفرینی، پژوهش مستقلی انجام نشده است؛ لذا با توجه به اهمیت مسأله و ناکافی بودن مطالعات پیشین، پژوهش حاضر بر آن شد تا به این پرسش پاسخ دهد که مؤلفه‌های تدریس اثربخش

1. entrepreneurship

2. Kuratko

3. Nian, Bakar & Islam

4. Mondal & Jimenez

5. Baptisa & Escária & Madruga

6. effective teaching

7. Koopman, Hammer & Hakkert

برای درس کارآفرینی چیست و از چه ویژگی‌هایی برخوردار است؟ بدون شک توجه به ویژگی‌های تدریس اثربخش برای درس کارآفرینی می‌تواند منجر به اصلاح شیوه‌ها و تدریس مدرسن این درس و در نتیجه ارتقای کیفیت آموزش عالی در دانشگاه‌های نسل سوم و تقویت روحیه کارآفرینی دانشجویان شود.

## روش

این پژوهش، از حیث هدف در زمره‌ی پژوهش‌های کاربردی و از حیث روش گردآوری و اجرا از نوع، پژوهش موردی است. پژوهش موردی عبارت است از مطالعه عمیق روی نمونه‌هایی از یک پدیده در محیط طبیعی آن و از دیدگاه افرادی که در آن مشارکت دارند (گال، بورگ و گال ۱۳۹۳). در این پژوهش با توجه به محوریت موضوع کارآفرینی، دانشکده کارآفرینی دانشگاه تهران به عنوان نخستین دانشکده کارآفرینی در ایران و خاورمیانه و تنها دانشکده دارای رشته کارآفرینی، به عنوان مورد پژوهش انتخاب شد. قلمرو زمانی این پژوهش، سال تحصیلی ۱۳۹۵-۱۳۹۶ بود. در این پژوهش، گروهی از اعضای هیأت علمی برجسته و متخصصین حوزه کارآفرینی و دانشجویان دانشکده کارآفرینی دانشگاه تهران به صورت هدفمند از نوع موارد مطلوب انتخاب شد. قلمرو مشاهده کلاس‌ها و تحلیل اسناد آموزش کارآفرینی بود. در این پژوهش برای گردآوری اطلاعات از مصاحبه نیمه ساخت یافته، مشاهده و تحلیل اسناد و در نهایت جهت تحلیل مصاحبه‌های صورت گرفته از کدگذاری باز، محوری و گزینشی استفاده شد.

## یافته‌ها

براساس یافته‌های به دست آمده از نتایج پژوهش طی مصاحبه‌ها و مشاهده‌های صورت گرفته، مؤلفه‌های تدریس اثربخش برای درس کارآفرینی، حول محورهای زیر مورد بررسی قرار گرفت:

۱- ویژگی‌های حرفه‌ای (پیش‌نیازهای مدرس و پرورش مهارت‌های شخصیتی و حرفه‌ای دانشجو): در بخش پیش‌نیازهای مدرس، به اعتقاد دانشجویان مدرسانی که خود کارآفرین هستند بسیار موفق‌تر از سایر مدرسان عمل می‌کنند. در بخش بعدی، نتایج یافته‌ها حاکی از پرورش دو ویژگی اعتماد به نفس و شجاعت در مدیریت در دانشجویان بود.

۲- مهارت برنامه‌ریزی و آمادگی (ایجاد انگیزه‌های علمی و پژوهشی، حمایت و هدایت دانشجو و تشخیص و بهره‌برداری از فرصت‌ها): یافته‌ها از تحسین و تشویق، مطالعه و کتاب‌خوانی و به روز بودن به عنوان عوامل مؤثر بر ایجاد انگیزه‌ی دانشجویان حکایت کرد که مهم‌ترین تدبیر و عامل انگیزه در این بخش تحسین و تشویق شناسایی شد. علاوه بر انگیزه‌ی پیشرفت، وجود ارزش تشویقی برای موفق شدن در آن تکلیف هم عامل مؤثری برای راه‌اندازی پیشرفت است.

۳- راهبردهای یاددهی-یادگیری (روش تدریس، تمرین و تکالیف درسی و آرایه محتوا): بر اساس یافته‌های پژوهش راهبردهای یاددهی-یادگیری از دیگر ویژگی‌های مدرس اثربخش است که دعوت از کارآفرین موفق مهم‌ترین و مؤثرترین و باز دیده‌های علمی از افراد و شرکت‌های خلاق و ایده‌پرداز از دیگر راهبردهای یادگیری در درس کارآفرینی محسوب می‌شود.

۴- ویژگی‌های شخصیتی مدرس: یافته‌های پژوهش نشان داد ویژگی‌های شخصیتی مدرس درس کارآفرینی رابطه قوی با اثربخشی آموزش این درس دارد. بر این اساس مدرسان این درس، بایستی خود دارای ویژگی‌های کارآفرینانه و تجربه‌ی کار با افراد کارآفرین را داشته باشند تا سبب پرورش ویژگی‌های کارآفرینی در دانشجویان شوند. هم‌چنین نتایج نشان داد، مدرسان برای پرورش ویژگی‌هایی از قبیل ریسک‌پذیری، خلاقیت، اعتماد به نفس و خلاقیت باید از این روش‌ها استفاده کنند: علاقه و میل به موفقیت و کارآفرینی دانشجویان، استفاده از سؤالات واگرا، انعطاف‌پذیری، شوخ‌طبعی، مثبت‌اندیشی و صبر و تحمل که علاقه

مدرس به موفقیت دانشجویان به عنوان مهم‌ترین مورد شناسایی شده است که خود منجر به مسؤلیت‌پذیری و تلاش بیشتر مدرسان جهت پرورش دانشجویان کارآفرین می‌شود.

۵- دانش‌پژوهی: به روز بودن و چالش‌برانگیز بودن دانش کارآفرینی، مهم‌ترین یافته‌های بخش دانش‌پژوهی بود. در تبیین این امر می‌توان اظهار داشت، محتوای آموزشی باید به گونه‌ای باشد که فراگیران را برای زندگی اجتماعی و شغلی آینده و برخورد با مسایل آن آماده سازد.

۶- ارتباط بین فردی و خارج فردی: بر اساس یافته‌های به دست آمده، مدرس این درس نیازمند ارتباط بین فردی با دانشجو و خارج فردی از دانشجو است. حفظ حرمت و احترام دانشجو، توانایی همدلی و ارتباط صمیمانه با دانشجو و دسترسی آسان به مدرس، مهم‌ترین عواملی هستند که در سطح ارتباط بین فردی شناسایی شد.

۷- مهارت مدیریت و سازماندهی کلاس (جو کلاس و وسایل و رسانه مورد استفاده در کلاس): ایجاد جذابیت و شوق و انگیزه یادگیری در دانشجویان از موارد مؤثر جهت ایجاد جو مناسب کلاس به شمار می‌رود. نتایج حاصله، جمله موارد یاری‌دهنده در این زمینه را منعطف بودن مدرس در برابر دانشجویان و نظرات آن‌ها، استفاده از تدریس سازاگرا، مشارکت دادن دانشجویان در مباحث کلاسی، ایجاد ارتباطات فعال و پویا، استفاده از نظرات و پیشنهادهای دانشجویان و اعمال آن‌ها، آزاد گذاشتن دانشجویان در استفاده از وسایل آموزشی در کلاس، تنوع در فضا و دکوراسیون کلاس و تغییر در محل برگزاری کلاس نشان داد. هم‌چنین یافته‌ها حکایت از استفاده از نرم‌افزار ال‌ام‌اس (L.M.S.) در بخش رسانه و وسایل مورد استفاده در کلاس داشت که عامل مؤثری جهت ارتباط و تعامل دانشجویان و مدرس و دسترسی به محتوای کلاس می‌باشد.

۸- زمان: بر اساس یافته‌های این پژوهش از دیگر ملزومات تدریس اثربخش در نظر گرفتن زمان مناسب جهت برگزاری کلاس درس کارآفرینی می‌باشد. نتایج از برگزاری کلاس درس در ساعات اولیه صبح خبر داد که در تحلیل آن می‌توان آمادگی جسمی و روانی بعد از یک استراحت کامل شبانه را دخیل این موضوع دانست و بازدهی بالای کلاس پیامد این امر است که این آمادگی در این درس بیشتر از سایر دروس ضرورت دارد.

### نتیجه‌گیری

براساس یافته‌های به دست آمده از نتایج پژوهش، مؤلفه‌های تدریس اثربخش درس کارآفرینی در دانشگاه شامل: ویژگی‌های حرفه‌ای (پیش‌نیازهای مدرس و پرورش مهارت‌های شخصیتی و حرفه‌ای دانشجو)، مهارت برنامه‌ریزی و آمادگی (ایجاد انگیزه‌های علمی و پژوهشی، حمایت و هدایت دانشجو و تشخیص و بهره‌برداری از فرصت‌ها)، راهبردهای یاددهی - یادگیری (روش تدریس، تمارین و تکالیف درسی و ارایه محتوا)، ویژگی‌های شخصیتی مدرس، دانش‌پژوهی، ارتباط بین فردی و خارج فردی، مهارت مدیریت و سازماندهی کلاس (جو کلاس و وسایل و رسانه مورد استفاده در کلاس) و زمان است.

نتایج حاصل از یافته‌های عبداللهی، دادجوی توکلی و یوسلیانی (۱۳۹۲) گویای رتبه‌ی اول بعد پیش‌نیازها در تدریس اثربخش از میان ابعاد حرفه‌ای است. در بخش بعدی، می‌توان گفت افرادی رشد می‌کنند و موفق هستند که در شرایط بحرانی و سرنوشت‌ساز، اعتماد به نفس و شجاعت و ریسک ایجاد تغییرات بزرگ را داشته باشند. همان‌طور که جونز و انگلیش<sup>۱</sup> (۲۰۰۴)، طی مطالعه خود اظهار داشتند که با آموزش کارآفرینی می‌توان اعتماد به نفس، دانش و مهارت دانشجویان را افزایش و آنان را برای راه‌اندازی کسب و کار توانمند ساخت. در مؤلفه دوم همان‌طور که نتایج نشان داد تحسین، شخصیت و اعتماد به نفس فرد را

<sup>۱</sup>. Jones & English

احیاء می‌کند، او را از یأس و بدبینی نجات می‌دهد و استعدادهای نهفته‌اش شکوفا می‌شود و گاهی یک تحسین ساده، مسیر زندگی فرد را دگرگون می‌سازد و در نتیجه در کارش با انگیزه‌تر و مشتاق‌تر حاضر خواهد شد. در مؤلفه سوم، ایجاد اعتماد به نفس در دانشجو و استفاده از تجربیات کارآفرینان به صورت ملموس و مستقیم از مهم‌ترین عللی است که می‌توان در تبیین این امر شناسایی نمود. در این باره هیلز<sup>۱</sup> (۱۹۸۸) نیز سخنرانی کارآفرین مهمان را راهی برای ارتقای خودباوری دانشجویان برای کارآفرین شدن می‌داند. وی معتقد است کارآفرین به عنوان سخنران مهمان این فکر را به ذهن دانشجو وارد می‌کند که اگر او توانسته پس احتمالاً من هم می‌توانم (آراستی، حیدری و مبارکی، ۱۳۹۳). نتایج نشان داد، روش‌هایی مانند روش گروهی، کارگاهی و نمایش فیلم به عنوان مهم‌ترین روش‌های تدریس این درس شناسایی شد. در تحلیل موضوع باید گفت، طبق یافته‌های هاینونن و پویکیجوجی<sup>۲</sup> (۲۰۰۶) در آموزش کارآفرینی باید روش‌های سنتی را کنار گذاشت و فرآیند کارآفرینی باید بر یک فرآیند یادگیری تجربی با هدف آگاهی فعال، کشف فرصت‌ها و مقابله با چالش‌ها استوار باشد. علی‌رغم تنوع بالای روش‌های آموزش کارآفرینی، روش تدریس استاندارد جهانی در زمینه آموزش کارآفرینی وجود ندارد. کارآفرینی از پیچیدگی خاصی برخوردار است و انتظار می‌رود از تلفیق روش‌های مختلف تدریس در راستای آموزش و یادگیری بهره‌برداری شود که این امر باعث اثربخشی بیشتر و صرف هزینه‌ی کمتر در یادگیری می‌شود. درخصوص مؤلفه پنجم، مدرس با آگاهی از دانش به روز، نسبت به فرصت‌ها و تهدیدها آگاه می‌شود و می‌تواند بهتر تصمیم‌گیری کند و اعتماد و اطمینان دانشجو را افزایش دهد. همان‌طور که نتایج پژوهش ظهور و اسلامی نژاد (۱۳۸۱) نشان داد، رایج مطالب نو از مهم‌ترین ویژگی‌های جنبه دانش پژوهی یک استاد را در تدریس اثربخش به خود اختصاص داده است. خصوصیت چالش‌برانگیز بودن محتوا هم می‌تواند جذابیت و در نتیجه افزایش انگیزه دانشجو را به همراه داشته باشد.

---

<sup>۱</sup>. Hills

<sup>۲</sup>. Heinonen & Poikkijoki

## منابع

- آراستی، زهرا؛ حیدری، هومان و مبارکی، محمدحسن (۱۳۹۳). ارزیابی اثربخشی روش آموزش کارآفرینی سخنران مهمان (مورد مطالعه: دانشجویان دانشکده کارآفرینی دانشگاه تهران). توسعه کارآفرینی. (۳)، ۷، ۴۰۶-۳۸۹.
- ابراهیم‌پور کومله، سمیرا؛ قبادی، سروش و خزایی، کامیان (۱۳۹۲). دانشگاه نسل سوم؛ گامی به سوی مهارت‌آموزی و اشتغال‌آفرینی در کشور. چکیده مقالات همایش بین‌المللی مهارت‌آموزی و اشتغال. تهران: سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای کشور.
- احمدپورداریانی، محمود (۱۳۸۷). کارآفرینی: تعاریف، نظریات، الگوها. تهران: جاجرمی.
- اسلامیان، حسن (۱۳۹۴). تدوین مؤلفه‌ها و نشانگرهای تدریس اثربخش جهت به کارگیری توسط استادان دانشگاه علوم انتظامی. فصلنامه مدیریت بر آموزش انتظامی. (۳)، ۱۱۴-۹۳.
- اکبری، کرامت‌الله (۱۳۸۷). توسعه کارآفرینی، رویکرد آموزشی. تهران: سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی.
- بانصاف، اسماعیل (۱۳۹۰). رابطه آموزش‌های دانشگاهی با پرورش روحیه کارآفرینی در دانشجویان کارشناسی ارشد رشته‌های برنامه‌ریزی آموزشی و سنجش و اندازه‌گیری در دانشگاه علامه طباطبایی در سال ۱۳۸۸. پایان‌نامه ارشد. دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی. دانشگاه علامه طباطبایی.
- پرداختچی، محمدحسن و شفیع‌زاده، حمید (۱۳۸۵). درآمدی بر کارآفرینی سازمانی. تهران: ارسباران.
- عباسی، عنایت؛ محمدزاده، لطیف و میان‌دوآب، همایون (۱۳۹۳). ارزیابی تأثیر ارائه درس کارآفرینی بر تقویت کارآفرینی فراگیران در مرکز آموزش کشاورزی شهرستان میان‌دوآب. کارآفرینی و کشاورزی. (۱)، ۶۸-۵۱.
- ظهور، علیرضا و اسلامی‌نژاد، طاهره (۱۳۸۱). شاخص‌های تدریس اثربخش از دیدگاه دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی کرمان. فصلنامه پایش. (۴)، ۱۳-۵.
- عبداللهی، بیژن؛ دادجوی توکلی، عطیه و یوسلیانی، غلامعلی (۱۳۹۲). شناسایی و اعتبارسنجی شایستگی‌های حرفه‌ای معلمان اثربخش. فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، نشریه علمی-پژوهشی. (۴۹)، ۴۸-۲۵.
- گال، بورگ و گال (۱۳۹۳). روش‌های تحقیق کمی و کیفی در علوم تربیتی و روانشناسی. ترجمه احمدرضا نصر و همکاران (۱۳۹۳). تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- مجلل چو بقلو، محمدعلی؛ عبدالله‌فام، رحیم و تمجدتاش، الهام (۱۳۹۰). آسیب‌شناسی فرآیند کارآفرینی در برنامه‌درسی رشته‌های تحصیلی دانشگاهی (مطالعه موردی در دانشگاه آزاد اسلامی واحد بناب). فصلنامه مدیریت بهره‌وری (فرا سوی مدیریت)، (۱۸)، ۵، ۱۸۷-۱۶۷.
- همتی، جلال (۱۳۸۷). کارآفرینی (اصول و مبانی). تهران: آوای نور.

Baptista, R., Escária, V., & Madruga, P. (2008). Entrepreneurship, regional development and job creation: the case of Portugal. *Small Business Economics*, 30(1), 49-58.

Heinonen, J., & Poikkijoki, S. A. (2006). An entrepreneurial-directed approach to entrepreneurship education: mission impossible?. *Journal of management development*, 25(1), 80-94.

- Jones, C., & English, J. (2004). A contemporary approach to entrepreneurship education. *Education training*, 46(8/9), 416-423.
- Kuratko, D. F. (2005). The emergence of entrepreneurship education: Development, trends, and challenges. *Entrepreneurship theory and practice*, 29(5), 577-598.
- Koopman, R. U. U. D., Hammer, M. H. M., & Hakkert, A. (2013). Teaching teachers in effectual entrepreneurship. In The 2nd Effectuation Conference, Lyon, France, 2-3 June 2013.
- Mondal, W. I. & Jimenez, L. (2015). Teaching Entrepreneurship and Micro Entrepreneurship: An International Perspective. *Journal of International Education Research*, 11(3), 189.
- Nian, T. Y., Bakar, R., & Islam, M. A. (2014). Students' Perception on Entrepreneurship Education: The Case of Universiti Malaysia Perlis. *International Education Studies*, 7(10), 40.